

# Conceptualization of Spatial Justice to Formulate Its Criteria and Indicators in Rural Planning Systems

*Bahram Imani\* and Borzou Sabzi\*\**

Research Article	Receive Date: 2024.01.05	Accept Date: 2024.08.21	Online Publication Date: 2024.08.27	Page: 211-249
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	---------------

Despite acknowledging the importance and value of spatial justice in planning, there is still no clear understanding of it in rural planning systems. Planners, implementers, and rural engineers have adopted a minimal perspective on spatial justice, and due to an inadequate understanding of this concept in rural planning systems, deprivation has not been sustainably eradicated from rural settlements, which often lack sufficient livability. This study aims to fill this scientific gap by conceptualizing spatial justice to formulate its fundamental criteria and indicators in rural planning systems. The research is fundamental in purpose and qualitative in nature, using thematic analysis to conceptualize spatial justice in rural planning. Data were collected through semi-structured interviews, document reviews, and existing studies. Participants included 10 experts in spatial justice and rural planning, selected through purposive sampling. Data analysis utilized three levels of themes—basic, organizing, and overarching—with data validity confirmed through triangulation. The results show that spatial justice comprises five overarching themes (economic justice, cultural justice, social justice, political justice, and environmental justice), 58 organizing themes, and 120 basic themes, ultimately presented in a model illustrating their interrelationships.

**Keywords:** *Justice; Space; Spatial Justice; Spatial Justice in Rural Planning*

---

\* Associate Professor, Department of Urban and Rural Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author); Email: imani\_b@uma.ac.ir

\*\* PhD Student in Geography and Rural Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran; Email: B\_sabzi@uma.ac.ir

**Majlis and Rahbord, Volume 32, No. 123, Fall 2025**

**How to cite this article:** Imani, B. and B. Sabzi (2025). "Conceptualization of Spatial Justice to Formulate Its Criteria and Indicators in Rural Planning Systems", *Majlis and Rahbord*, 32(123), p. 211-249.

**doi:10.22034/MR.2024.16433.5720**

# مفهوم‌سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص‌های آن در نظام برنامه‌ریزی روستایی

بهرام ایمانی\* و برزو سبزی\*\*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶	شماره صفحه: ۲۱۱-۲۴۹
----------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	------------------------

با درک اهمیت عدالت فضایی و ارزش آن در برنامه‌ریزی، باید اذعان کرد که فهم صحیحی از این مفهوم در نظام برنامه‌ریزی روستایی ایران وجود ندارد. برنامه‌ریزان، مجریان و مهندسان عرصه روستا نگاهی سطحی و حداقلی به عدالت فضایی دارند و به دلیل فهم نادرست از این مفهوم، محرومیت همچنان به صورتی پایدار در سکونتگاه‌های روستایی مشاهده می‌شود. این نواحی در بسیاری از موارد استانداردهای لازم برای زیست‌پذیری ندارند.

این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ علمی، به تبیین مفهوم عدالت فضایی و تدوین معیارها و شاخص‌های اساسی آن در برنامه‌ریزی روستایی پرداخته است؛ از این‌رو از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی است و با تحلیل مضمون به مفهوم‌پردازی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی روستایی می‌پردازد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، بررسی اسناد و مطالعات پیشین جمع‌آوری شده است. جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های عدالت فضایی و برنامه‌ریزی روستایی بودند که ۱۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استفاده شد و اعتبار یافته‌ها با روش همسوسازی تأیید شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم عدالت فضایی شامل پنج مضمون فراگیر (عدالت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی)، ۵۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۲۰ مضمون پایه است. در پایان، روابط بین این مضامین در قالب یک الگوی مفهومی ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها: عدالت؛ فضا؛ عدالت فضایی؛ برنامه‌ریزی روستایی**

\* دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)؛  
Email: imani\_b@uma.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛  
Email: B\_sabzi@uma.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ودوم، شماره یکصد و بیست‌وسوم، پاییز ۱۴۰۴

روش استناد به این مقاله: ایمانی، بهرام و برزو سبزی (۱۴۰۴). «مفهوم‌سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص‌های آن در نظام برنامه‌ریزی روستایی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۳(۱۲۳) ص. ۲۱۱-۲۴۹.

doi: 10.22034/MR.2024.16433.5720

## مقدمه و بیان مسئله

عدالت مفهومی است که بشر از دیرباز با آن آشنا بوده و برای استقرار آن کوشیده است. اگرچه مفهوم کلی عدالت از پذیرش و محبوبیت چشمگیری در میان توده مردم، دانشمندان، سیاستمداران و برنامه‌ریزان در جوامع گوناگون برخوردار است، اما برداشت‌ها، تبیین و شیوه اجرای عدالت نه تنها در همه‌جا یکسان نیست، بلکه گاه متناقض است. این موضوع نشان‌دهنده وابستگی این مفهوم به شرایط اجتماعی، سیاسی و جهان‌بینی هر جامعه است (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳). با این وجود، هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که از عدالت رویگردان باشد (انوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۸).

نواحی روستایی، خاستگاه اولیه شکل‌گیری تمدن در ایران به‌شمار می‌رود و بسیاری از میراث تاریخی، فرهنگی، طبیعی و کشاورزی کشور در این عرصه‌ها جای گرفته است. افزون بر این، نواحی روستایی در نقش کانون‌های اصلی تولید، از چندین منظر حائز اهمیت است: تأمین امنیت غذایی، تحکیم امنیت به‌ویژه در مناطق مرزی و دورافتاده، مهار رشد بی‌رویه جمعیت کلان‌شهرها، جلوگیری از توسعه شتابان شهرها و توقف تغییر کاربری سریع اراضی کشاورزی (ورمزیاری، ۱۳۹۵: ۷). امروزه با افزایش جمعیت و توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت، امکانات، فرصت‌ها و خدمات عمومی در نواحی روستایی، کیفیت زندگی در این مناطق با مخاطره جدی مواجه شده است. در نتیجه، مسئله نابرابری‌های فضایی در کشورهای در حال توسعه و استقرار عدالت فضایی برای بهره‌مندی عادلانه روستاییان از خدمات ضروری، به یکی از چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان و مدیران بدل گشته است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸).

همگام با تحولات جهانی در عرصه عدالت فضایی در برنامه‌ریزی روستایی، سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران نیز به‌ویژه در سال‌های اخیر، برقراری عدالت را به‌عنوان اصل بنیادین هرگونه توسعه مورد تأکید قرار داده است. اصول

سوم و چهل و سوم قانون اساسی بر این موضوع صحنه می‌گذارد که مناطق روستایی باید به‌عنوان زیست‌بوم‌های انسانی، از حیث اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی به‌صورت عادلانه بهره‌مند شوند؛ به‌عبارت روشن‌تر، در توزیع منابع، ثروت عمومی، فرصت‌های شغلی و خدمات نباید تبعیض و نابرابری وجود داشته باشد (متن قانون اساسی کشور، ۱۳۵۸: ۱۳). اما در عمل، ضعف برنامه‌ریزی و سردرگمی در توزیع منابع و تأمین نیازهای اساسی طی دهه‌های گذشته، نه‌تنها به تضعیف و تسریع روند زوال این سکونتگاه‌ها انجامیده، بلکه به عدم تعادل فضایی درون‌ناحیه‌ای و جریان یک‌سویه خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری منجر شده است (غفاری و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۸۰). در این میان، نقدهای وارد بر شیوه برنامه‌ریزی به‌عنوان عاملی تشدیدکننده این نابرابری‌ها، اوج گرفته است؛ چراکه سیاست‌ها و برنامه‌های کلان روستایی کماکان بر مبانی نظری و سیاست‌های ناموفق غربی از قبیل قطب‌رشد، مکان مرکزی، مرکز-پیرامون و رویکردهای سلسله‌مراتبی (از بالا به پایین) استوار است، بدون آنکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اسناد آمایش سرزمین در دهه‌های گذشته به‌طور جدی عملیاتی شده باشد (بابایی، ۱۴۰۲: ۳۱). پیامد این روند، رویارویی سکونتگاه‌های روستایی با اوج فقر، نابرابری و عقب‌ماندگی چندجانبه در مقایسه با دیگر کانون‌های جمعیتی کشور و تشدید روزافزون مهاجرت بی‌ضابطه و مدیریت نشده روستاییان و عشایر به‌ویژه جوانان و تحصیل‌کردگان به‌سوی مناطق شهری بوده است. بر این اساس، اصلی‌ترین رسالت سیاستگذاران و برنامه‌ریزان روستایی، کاستن از این نابرابری‌ها و زدودن تضاد در دسترسی ساکنان به سرمایه‌های روستایی است. در این چارچوب، مفهوم عدالت فضایی ظهور می‌یابد. عدالت فضایی، به‌مثابه ابزاری هنجاری برای تحقق عدالت در مقیاس روستایی، هدف غایی بسیاری از سیاست‌های برنامه‌ریزی فضایی محسوب می‌شود (Soja, 2009: 2).

با وجود پذیرش اهمیت و ارزش عدالت فضایی در برنامه‌ریزی روستایی، نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور جمهوری اسلامی ایران (شامل سیاستگذار، طراح، برنامه‌ریز و مجری) تاکنون درکی صحیح از این مفهوم نیافته است. برنامه‌ریزان، مجریان و مهندسان عرصه روستا، نگاهی حداقلی به عدالت فضایی داشته و آن را معادل توزیع خدمات و امکانات - بدون توجه به ابعاد فرهنگی-اجتماعی و نیازهای واقعی ساکنان روستا - پنداشته‌اند (مبارکی، ساروخانی و وثوقی، ۱۴۰۰: ۸). به دلیل فهم نادرست از مفهوم عدالت فضایی در برنامه‌های روستایی و مواجهه با چالش‌هایی چون: مدیریت و خدمات‌رسانی نقطه‌ای، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، تأکید صرف بر عوامل برون‌زا و بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و مزیت‌های درون‌زا، ضعف چارچوب قانونی برای مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی، نبود سازوکارهای کارآمد برای مدیریت تعامل بین بخش‌های عمومی، خصوصی و مردمی، فقدان انسجام و یکپارچگی در برنامه‌های توسعه و عاری بودن از نگاهی جامع‌نگر، محرومیت به شکلی پایدار از چهره سکونتگاه‌های روستایی پاک نشده و این نواحی در بسیاری از موارد فاقد زیست‌پذیری لازم هستند (ورمزیاری، ۱۳۹۸: ۹). این شرایط، ضرورت تبیین و مفهوم‌سازی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی مناطق روستایی را دوچندان ساخته است. از این‌رو هدف اصلی پژوهش مفهوم‌سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص‌های عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی است تا از این طریق بتوان محتوای این طرح‌ها را از منظر عدالت فضایی مورد ارزیابی قرار داد. در راستای این هدف، دو پرسش اصلی مقاله بدین شرح است: الف) مفهوم عدالت فضایی از منظر مکاتب و نظریه‌های مختلف چیست؟؛ ب) مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های مناسب برای تحقق عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی کدامند؟

## ۱. ادبیات نظری

### ۱-۱. عدالت

موضوع عدالت<sup>۱</sup> همواره یکی از پرچالش‌ترین و درعین حال مبهم‌ترین مفاهیم طی تاریخ بوده است. دستیابی به معنایی مشخص و تعریفی واحد از آن، تنها با ورود به عرصه گفتمانی خاصی ممکن می‌شود که بنا بر دغدغه‌های خود، با مفاهیم وابسته به عدالت مواجه می‌شود (سعیدی منفرد، حنایی و شیروانی مقدم، ۱۳۹۸: ۷۱). از جمله مهم‌ترین تعاریف عدالت می‌توان به «رعایت حقوق هر چیز یا هر کس، مطابق با شایستگی‌اش»، «اعطای حق به هر ذی‌حقی»، «شایستگی»، «انصاف»، «مساوات» و نظایر آن اشاره کرد.

قرآن کریم، به‌عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی، قدم نهادن در مسیر عدالت را عامل ماندگاری جامعه انسانی و تحقق «حیات طیبه» (زندگی رشدآور) می‌داند.<sup>۲</sup> چنین باوری در میان مفسران جهان غرب، از دیرباز تاکنون وجود داشته است. سال‌ها پیش از دوران افلاطون تا عصر حاضر، همواره اندیشمندانی به مفهوم فلسفی عدالت پرداخته و گاه آن را به‌صورت یک «امر مثالی» و گاه به شکل موضوعی ملموس و قابل اندازه‌گیری تفسیر کرده‌اند (شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۲۳). در سال‌های اخیر نیز اندیشمندانی همچون راولز<sup>۳</sup> (۱۱۰: ۱۹۷۱؛ ۲۴: ۲۰۰۱)، دیوید هاروی<sup>۴</sup> (۴۰۱: ۱۹۹۶)، فاینشتاین<sup>۵</sup> (۲۴: ۲۰۱۰)، سوجا<sup>۶</sup> (۲۳: ۲۰۱۰)، مارکوس<sup>۷</sup>

۱. ترجمه لغت عربی عدالت به فارسی «داد» و «دادگر» و در فرانسه و انگلیسی Justice و در لاتین Justitia است.

۲. سوره نحل آیه ۹۷ و سوره الحديد آیه ۲۵.

3. John Rawls
4. Harvey
5. Fainnstein
6. Soja
7. Marcuse

(۲۴: ۲۰۰۹)، کمپبل و مارشال<sup>۱</sup> (۳۳۱: ۲۰۰۶)، کمپبل و فاینشتاین (۳۲: ۲۰۰۳)، دوفو و فیلیفر<sup>۲</sup> (۲۰: ۲۰۱۳)، فیشر و مندل<sup>۳</sup> (۱۲۰: ۲۰۰۹) و ژروه و لامبونی<sup>۴</sup> (۲۰۱: ۲۰۱۴) نظریه‌های برجسته‌ای در فلسفه عدالت برای سکونتگاه‌های انسانی ارائه داده و این مفهوم را در عرصه‌های روستایی و شهری تحلیل کرده‌اند. موضوع عدالت در نظریه‌های برنامه‌ریزی تا حدی اهمیت یافته که بسیاری از نظریه‌پردازان، مشروعیت برنامه‌ریزی را به آن منوط دانسته و گسترش عدالت را در کنار تأمین منفعت و رفاه عمومی، از جمله اهداف اولیه برنامه‌ریزی روستایی به‌شمار آورده‌اند. از آنجاکه برنامه‌ریزان، مسئول تدوین سیاست‌های تخصیص و توزیع عادلانه منابع، قدرت، ثروت، مزایا، فرصت‌ها و خدمات عمومی در روستاها هستند، در عمل، مجریان اصلی تحقق عدالت در نواحی روستایی محسوب می‌شود (زارعی، ۱۳۹۵: ۴۲).

## ۲-۱. فضا

مفهوم فضا<sup>۵</sup> یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در جغرافیا است که می‌توان از جنبه‌های گوناگون به آن نگریست (قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۶). در دهه ۱۹۷۰ این دیدگاه مطرح شد که فضا به‌عنوان یک «ساخت اجتماعی» تلقی می‌شود؛ به این معنا که روابط اجتماعی و کنش‌های مادی برآمده از جامعه، شکل‌دهنده مفهوم فضا هستند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، اندیشمندانی همچون میشل فوکو (۱۹۸۶)، آنتونی گیدنز (۱۹۹۵)، پیر بوردیو (۱۹۸۵) و هانری لوفور (۱۹۹۱) به تبیین این مفهوم پرداختند. فضا در واقع محصول فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و

- 
1. Campbell and Marshall
  2. Dufaux and Phulifert
  3. Fischer and Mandel
  4. Gervais and Lambony
  5. Space

از این رو، تنظیم، ارزیابی و جهت‌دهی به این فعالیت‌ها، به شکل‌گیری فضا و تعدیل نابرابری‌های فضایی می‌انجامد. به نقل از لوفور، انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که زندگی و آگاهی خویش را با بازتولید فضا می‌آفرینند (Fuchs, 2019: 131). فضا تنها بخشی از محیط طبیعی نیست، بلکه جزئی از ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌رود. بنابراین، برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که بتواند از منابع محلی بهره‌گیرد. مهم‌ترین منبع محلی، خود مردم و باورهای آنان هستند که باید در فرایند برنامه‌ریزی راه‌یابند و در آن مداخله کنند. بر این اساس، تأکید بر روش‌های مشارکتی در طراحی و اجرا امری ضروری است. در نتیجه، نمی‌توان به فضا به صورت مجزا نگریست؛ چراکه مشکلات فضایی با محتوای سرزمین پیوند خورده و ارتباطی تنگاتنگ با منابع (از جمله منابع قدرت) دارد. در این مسیر، مردم می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند (Adams, 2001: 86). برنامه‌ریزی فضایی مستلزم تحلیل ساختارهای فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و همچنین سیاسی است و بدون توجه به این ملاحظات، این نوع برنامه‌ریزی در حاشیه باقی مانده و به نتیجه‌ای مطلوب نخواهد انجامید.

### ۳-۱. عدالت فضایی

مفهوم عدالت فضایی<sup>۱</sup> را جغرافیدانان رادیکال نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ به ادبیات جغرافیایی وارد کردند (Gruber and Rauhut, 2016: 3). اما خاستگاه این نگرش مردمی که در پی تحقق عدالت فضایی است، به پیشنهاد‌های کروپتکین<sup>۲</sup> در مبارزه با فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژادپرستی در بیش از یک سده پیش بازمی‌گردد

1. Spatial Justice

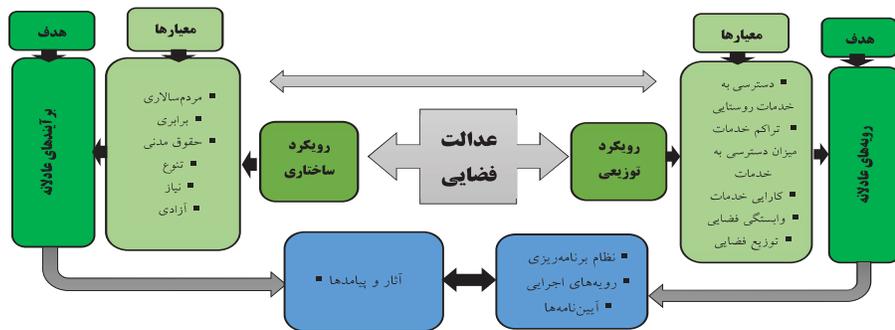
2. Kropotkin

(شکویی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). از دهه ۱۹۷۰ با افزایش طرفداران جغرافیای رادیکال این بحث به‌طور جدی در جغرافیا مطرح شد؛ به‌طوری‌که هاروی با کتاب عدالت اجتماعی و شهر و اسمیت با کتاب جغرافیا و عدالت اجتماعی مفهوم عدالت فضایی را در جغرافیا مطرح کردند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵۲). هاروی مفهوم عدالت فضایی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم استفاده کرد (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۲۴). از آن زمان، این مفهوم از منظره‌های مختلف بررسی شده است، مانند عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت محیطی و ...، اما نقطه مشترک همه این اصطلاحات این است که اساس هرگونه تغییر در سازمان فضایی در روابط اقتصادی، اجتماعی و توزیعی درآمد و خدمات باید با در نظر گرفتن عدالت فضایی باشد (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۹۱). عدالت فضایی ارتباط‌دهنده عدالت اجتماعی و فضا است؛ از این‌رو تجزیه و تحلیل برهم کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های فضایی و شیوه تنظیم سیاست‌هایی برای کاهش یا حل آنها ضروری است (Tabei et al., 2016: 26). عدالت فضایی، مفهومی چندبعدی و پیچیده است که در اشکال گوناگون در حوزه‌های علمی چون برنامه‌ریزی روستایی، معماری، جامعه‌شناسی، جغرافیا و ... مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین مفهوم عدالت فضایی این است که با تمام ساکنان در جایی که زندگی می‌کنند، به‌طور مساوی رفتار شود (اسماعیل‌زاده و معصومی، ۱۳۹۴: ۹۶). با مطالعه متون و بررسی آرای نظریه‌پردازان اندیشه‌های بنیادین عدالت فضایی، می‌توان عدالت را از نظر ماهوی موضوعی در قالب موارد: تخصیص برابر مزایا و هزینه‌های اجتماع، حق برابر در استفاده از منابع و مزایای موجود، تمرکز بر ظرفیت‌های افراد، مشارکت، برابری اجتماعی، برابری اقتصادی و برابری زیست‌محیطی توصیف کرد (عزیزی، زبردست و اکبری، ۱۳۹۷: ۸). با این تفاسیر، عدالت فضایی در کلیت

فراگیر به رعایت حقوق برابر انسان‌ها یا بازیگران اجتماعی، حفظ و پاسداری از کرامت انسانی آنها، تأمین نیازهای اولیه زندگی و عزت‌نفس اجتماعی آنها توجه فراوان دارد (یزدانی و فیروزی، ۱۳۹۵: ۱۸). علاوه بر شاخص‌هایی که در مطالعات این نظریه‌پردازان بدان‌ها اشاره شده است در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در باب تبیین مفهوم عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی بیان شده است:

الف) رویکرد توزیعی: برپایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی یا توزیع فضایی-اجتماعی و تلاش برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی براساس نیازها و خواست ساکنان روستایی شکل گرفته است؛ مانند دسترسی به خدمات روستایی، تراکم خدمات، میزان دسترسی به خدمات و کارایی خدمات در ارتباط است. ب) رویکرد ساختاری: این رویکرد بر فرایندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد. همچنین بازنموده‌ای فضایی، مکانی و هویتی و اعمال اجتماعی را شامل می‌شود؛ مانند وجود رویکردهای تبعیض‌آمیز در شکل‌دهی به فضای روستایی (شکل ۱).

شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

عدالت فضایی، هم می‌تواند به‌عنوان محصول و هم فرایند دیده شود. عدالت فضایی محصول‌گرا در قالب الگوهای توزیعی که به‌خودی‌خود عادلانه/ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد. عدالت فضایی ساختاری نیز به‌عنوان فرایندهای شکل‌دهنده به فضا مورد بحث قرار می‌گیرد (الوندی‌پور و داداش‌پور، ۱۳۹۷: ۷۲). به‌طور کلی می‌توان گفت هدف نهایی در عدالت فضایی، بهبود دورنمای زندگی در تمام عرصه‌های فضایی است. بنابراین عدالت فضایی در صورتی تحقق می‌یابد که توزیع قدرت، ثروت و فرصت، متناسب با قابلیت مکان‌ها و فضاهای خرد و کلان جغرافیایی انجام شود و به‌تبع آن، درآمدی را افزایش دهد که به توانمندی جوامع در جهت برآورده کردن نیازها منجر می‌شود و از این رهگذر، ضرایب فزاینده را بین مناطق زیاد کند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

## ۲. عدالت در مکاتب و آرای نظریه‌پردازان

مطالعات صورت پذیرفته در حوزه عدالت فضایی تاکنون به‌گونه‌ای بوده است که نظریه‌پردازان عدالت فضایی بر پایه نظریات در باب عدالت به پروراندن مفهوم عدالت فضایی مبادرت ورزیده‌اند. بر این اساس چون تأکید این پژوهش بر عدالت فضایی است، در این قسمت به‌طور اجمالی به بررسی آرای نظریه‌پردازان در حوزه عدالت فضایی پرداخته می‌شود.

افرادی مانند سوزان فاینشتاین، ادوارد سوچا، مصطفی دیکسی<sup>۱</sup> و همکاران در این زمینه نظرها، معیارها و مصادیقی را ارائه کرده‌اند؛ اما با توجه به رویکردها و خطوط فکری متفاوت و چندگانه‌ای که وجود دارد؛ هنوز گفتمان عدالت فضایی دارای پیچیدگی، ابهام و حتی استفاده نابه‌جا است. موضوع عدالت فضایی با هدف

---

1. Dikec

تلاش برای تجدیدنظر درباره روابط بین قدرت، فضا، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دچار تغییرات مفهومی زیادی شده است (رفیعیان، قاسمی و نوذری، ۱۳۹۸: ۲۲).

سوزان فاینشتاین پس از مجادلات فلسفی و تجربی متعدد و بررسی گونه‌های مختلف آرای مرتبط با عدالت در شهر به این نتیجه می‌رسد که معیارهای اصلی سکونتگاه عدالت‌محور عبارتند از: ۱. برابری «توزیع منافع مادی و غیرمادی منتج از سیاست‌های عمومی به عبارتی با هر فردی باید به‌گونه مناسبی رفتار کرد نه اینکه با همه یکسان برخورد نمود» (Fainnstein, 2010: 35)، ۲. مردم‌سالاری «مشارکت شهروندان در تصمیمات عمومی مدنظر او است؛ زیرا مشارکت فی‌نفسه هدفی ارزشمند است» و ۳. «منفعت عمومی». گرایش‌های اخیر او در نظریه برنامه‌ریزی، ارتباط برنامه‌ریزی فضایی، منفعت عمومی و ایده سکونتگاه عادلانه را مورد توجه قرار می‌دهد و عدالت فضایی را تأمین منافع عمومی روستاییان با جلوگیری از اقدام‌های خودخواهانه و هماهنگ کردن اقدام‌ها می‌داند» (Ibid., 2008: 45).

جان راولز (۱۹۷۹) در اثر انتشار یافته خود نظریه‌ای در باب عدالت پیشنهاد می‌کند که بر توزیع متمرکز است و قابلیت به‌کارگیری داشته باشد. او بیان می‌کند که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید سازمان‌مند شود و معتقد است این نابرابری‌ها بر دو اصل است: اصل اول؛ برابری فرصت‌ها و آزادی‌های قانونی، سیاسی و مدنی برای همه و اصل دوم؛ تنظیم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای که ضعیف‌ترین بخش جامعه بهترین وضع ممکن بدون آسیب به منافع سایر افراد جامعه حاصل آید (طیبیان، شکوهی و ارباب، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

ایریس ماریون یانگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در اثر انتشار یافته خود با عنوان عدالت و سیاست‌های مبتنی بر تفاوت‌ها بیان می‌کند که عدالت فضایی باید: ۱. زمینه مشارکت را فراهم کند، ۲. با ظلم مقابله کند و ۳. از طریق دستاوردهای توسعه درونی و خودمختاری بر امور مسلط شود (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

هاروی (۱۹۷۳) در کتاب مشهور خود با عنوان *عدالت اجتماعی* و شهر این‌گونه بیان می‌کند که عدالت فضایی باید به‌ترتیب براساس سه معیار نیاز، منفعت و استحقاق تعریف شود. در نتیجه، هرگونه برنامه‌ریزی روستایی مبتنی بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آنها مؤثر باشد.

گوردن پییر<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت فضایی» تنها کسی بود که به‌طور کامل، ابعاد فضایی عدالت را در مرکز توجهات و تحقیقات خود قرار داد که شاید اولین نوشته شناخته شده انتقادی در مفهوم عدالت فضایی باشد (افروز، طبیبیان و احمدی، ۱۳۹۶: ۵۶).

لوفور اولین کسی بود که از اصطلاح حق به شهر استفاده کرد. او حق به شهر را فرایندی برای هم‌افزایی منافع کل جامعه و تمامی افراد ساکن در آن توصیف می‌کند (رهبری و شارع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱۹). از نظر لوفور حق بر شهر نه تنها بر مشارکت ساکنان در زندگی اجتماعی دلالت دارد بلکه مهم‌تر از آن به معنای مشارکت فعال در زندگی سیاسی، مدیریت و اداره سکونتگاه است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). ادوارد سوچا در کتاب خود با عنوان *جستجوی عدالت فضایی* بر این باور است که نابرابری‌های توزیعی یکی از پایه‌ای‌ترین و واضح‌ترین بیان‌های نابرابری فضایی

---

1. Iris Marion Young

2. Gordon Pierre

است و در ادامه ضمن اشاره به نیازهای زندگی، آموزش، حمل‌ونقل عمومی، پلیس و جلوگیری از جرم، تا نیازهای شخصی‌تر نظیر غذا، مسکن و اشتغال تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تعریف لوفور از فضا، عدالت فضایی را تبیین کند (شکوهی بیدهنی، ۱۳۹۳: ۳۲). او عنوان می‌کند عدالت فضایی تنها به معنای عدالت در تخصیص منابع نیست؛ بلکه عدالت فضایی بازنگری در روابط تولید است. بنابراین تبیین و شناخت فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به تولید فضا از جنبه عادلانه یا ناعادلانه بودن آن، اهمیت بیشتری در رویکردها و نظریات جدید عدالت فضایی دارد. بر این اساس او عدالت فضایی را در افزایش برابری در دسترسی به منابع اجتماعی و فرصت‌هایی تعریف می‌کند که سکونتگاه ایجاد می‌کند (Soja, 2010: 32). دیکسی در سال ۲۰۰۲ بحث عدالت فضایی را فراتر از الگوهای توزیعی، به سمت فضاسازی و ارتباطات اجتماعی، توسعه داد (Dikec, 2009: 23).

موضوع عدالت از دیرباز در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید بوده است، اما بیشتر در قالب مفاهیم اخلاقی مطرح شده و به جنبه‌های فضایی آن به صورت صریح پرداخته نشده است. در این زمینه آثاری برجسته درباره جایگاه عدالت در اسلام تدوین شده که به حقوق شهروندی و تعاریف مرتبط با مفهوم عدالت اشاره دارند؛ از جمله می‌توان به آثار استاد مطهری، علامه طباطبایی و دیگران اشاره کرد که خود گویای جایگاه رفیع عدالت در فرهنگ اسلامی-ایرانی است. بر این اساس، اندیشه‌های فکری مرتبط با عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی در قالب دسته‌بندی زیر ارائه شده و معیارهای آن برای عدالت فضایی استخراج شده است (جدول ۱).

جدول ۱. معیارهای عدالت فضایی مستخرج از اندیشه‌های فکری

معیارها	دانشمندان	اندیشه فکری
برابری، آزادی، استحقاق، دسترسی برابر و نفی محروم‌سازی	فارابی، صدرالمتهلین، علامه طباطبایی و مطهری	اسلامی
توزیع عادلانه	دیوید هاروی	رادیکال
آزادی، برابری فرصت‌ها، تفاوت، مشارکت، دسترسی برابر، توافق، همه‌شمولی	جان راولز، آمارتیا سن، مارتا نوزبام، یورگن هابرماس، جان فریدمن، جان فارس‌تر	لیبرال
نیاز، شرکت در منفعت عمومی، استحقاق، حق تفاوت، همه‌شمولی، برابری فرصت‌ها، مشارکت، نفی حاشیه‌ای شدن، نفی محروم‌سازی، دسترسی برابر	هانری لوفور، دیوید هاروی، مصطفی دیکسی، اندیشمندان عدالت محیط زیستی، پل دیویدوف، اندیشمندان برنامه‌ریزی عدالت‌خواه	اقتصاد سیاسی
مشارکت و دموکراسی، استحقاق	لئون ساندرو کوک	پست‌مدرنیسم
تفاوت، نفی محروم‌سازی، تنوع، همه‌شمولی، برابری فرصت‌ها، مشارکت، به رسمیت‌شناسی	ماریون یانگ، سوزان فاینشتاین، ادوارد سوچا، لئون ساندرو کوک، آرون ایفتاچل	پسامدرن و رویکردهای تغییر یافته اقتصاد سیاسی
توزیع برابر، رقابت‌پذیری، استحقاق	لوسی	محافظه کار سنتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر برحسب محتوا از نوع تحقیقات بنیادی و از نظر ماهیت کیفی است که با استفاده از تحلیل مضمون<sup>۱</sup> (شناسایی یک پدیده) و شبکه مضمون‌ها<sup>۲</sup> (تشریح یک پدیده) در سه سطح مضمون‌های پایه<sup>۳</sup> (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، مضمون‌های سازمان‌دهنده<sup>۴</sup> (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های

- 
1. Thematic Analysis
  2. Thematic Networks
  3. Basic Themes
  4. Organizing Themes

پایه) و مضمون‌های فراگیر<sup>۱</sup> (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) به مفهوم‌پردازی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی روستایی پرداخته شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه برنامه‌ریزی روستایی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند صاحب‌نظران کلیدی<sup>۲</sup> و روش اشباع نظری<sup>۳</sup>، تعداد ۱۰ نفر به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت: الف) کتابخانه‌ای (سندکاوی<sup>۴</sup> منابع مختلفی همچون، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات فارسی و انگلیسی و همچنین طرح‌های مربوط به توسعه روستایی در جهت استخراج مضمون‌های پایه) و ب) میدانی (مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با گروه‌های کانونی<sup>۵</sup> در جهت اشباع نظری) انجام شده است. نویسندگان پژوهش پس از انجام هماهنگی‌های لازم، با حضور در دفتر کار برخی از صاحب‌نظران و همچنین از طریق تلفن با صاحب‌نظران و متخصصان عدالت فضایی و با طرح سؤال‌های باز و بسته نظر آنها را یکی پس از دیگری دریافت کردند تا جایی که پس از انجام ۱۰ مورد مصاحبه، دیگر اطلاعات جدیدی اضافه نشد و کفایت گردآوری اطلاعات محرز شد. به‌علاوه کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع فارسی و انگلیسی متعددی درخصوص موضوع مورد مطالعه قرار گرفت و مفاهیم، عبارات و واژه‌های کلیدی مرتبط با عدالت فضایی استخراج شد.

- 
1. Global Themes
  2. Critical Case
  3. Theoretical Saturation
  4. Documents
  5. Focus Groups Interview

#### ۴. یافته‌های پژوهش

محققان پس از گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با متخصصان و مطالعه منابع مختلفی همچون، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مجلات فارسی و انگلیسی با استفاده از تحلیل مضمون و شبکه مضامین به شناخت مفهومی عدالت فضایی دست یافتند که مراحل آن به شرح زیر است:

مرحله اول) مضمون‌های پایه: در این مرحله خط به خط یادداشت‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و کدها و نکات کلیدی موجود در متن و مفاهیم به‌عنوان مضمون‌های پایه مرتبط با مفهوم عدالت فضایی انتخاب شد.

مرحله دوم) مضمون‌های سازمان‌دهنده: در این مرحله، مقولات به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه طبقه‌بندی شد.

مرحله سوم) مضمون‌های فراگیر: در این مرحله، مضمون‌های فراگیر از ترکیب و تلخیص مضمون‌های سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شد. یافته‌های به‌دست آمده از مرحله اول، دوم و سوم به‌صورت ترکیبی در جدول ۲ مطرح شده است.

جدول ۲. مضمون‌های پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر مفهوم عدالت فضایی

ردیف	ابعاد	معیار	شاخص‌ها	سازه‌ها
۱	عدالت اقتصادی	مردم‌سالاری	حاکمیت قانون و مقررات	قابل پیش‌بینی بودن شرایط اقتصادی برای محاسبه هزینه‌ها و فایده‌های احتمالی؛ محترم شمردن حق مالکیت به‌منظور قدرت بهره‌مندی آزادانه از آنها
		برابری	برابری فرصتی	بسترسازی منابع و امکانات بهداشتی، زیرساختی، اعتبارات، تأمین نیازهای اساسی، جمع‌آوری محصولات، توزیع محصولات مصرفی؛ فرصت برابر در استفاده از امکانات فضا و عدم تبعیض در بهره‌وری آنها؛ دسترسی همه ساکنان به منابع و امکانات عمومی؛ توزیع برابر خدمات و جمعیت
		حقوق مدنی	حق مالکیت	محترم شمردن حق مالکیت بر اراضی زراعی و باغی، صنایع و واحدهای خدماتی؛ داشتن حق انتخاب شغل
			حق انتخاب شغل	
		تنوع	تنوع تولید و اشتغال	دسترسی به شغل در بخش کشاورزی، اقتصادی، خدماتی و ...؛ میزان نوع در محصولات صنعتی؛ میزان تنوع در ارائه خدمات
		نیاز	دسترسی به حداقل درآمد	نیاز به داشتن شغل مناسب، درآمد مناسب، قدرت خرید و رضایت شغلی؛ احساس نیاز به خدمات زیربنایی (آب آشامیدنی، دسترسی به برق، دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب، دسترسی به اینترنت)؛ احساس نیاز به داشتن شرکت‌های تعاونی و دولتی برای توزیع، جمع‌آوری و پخش محصولات در روستا
			دسترسی به خدمات زیربنایی براساس نیاز	
حمایت از تولید و توزیع				
آزادی	آزادی کسب‌وکار	آزادی	نیود بوروکراسی دولتی (اخذ مجوز، ثبت و اخذ اعتبار) در فعالیت‌های اقتصادی؛ نبود محدودیت‌های قانونی در سرمایه‌گذاری؛ آزادی عمل در صادرات تولیدات به داخل و خارج از کشور؛ انعطاف‌پذیری در مقررات کار؛ میزان انحصارطلبی در بازار؛ آزادی در نوآوری برای فعالیت‌های تولیدی؛ دسترسی به منابع مالی؛ سهولت دسترسی به تسهیلات مالی	
	آزادی مبادله و معاوضه			
	آزادی رقابت و تولید			

ردیف	ابعاد	معیار	شاخص‌ها	سازه‌ها
۲	عدالت سیاسی	مردم‌سالاری	حاکمیت مردم	امکان وجود احزاب متفاوت و ایجاد جامعه مدنی برای ساکنان؛ مشارکت از طریق سیستم نمایندگی و مینا قرار گرفتن نظر اکثریت با احترام به اقلیت؛ برابری حقوقی افراد؛ برابری در نظارت بر دستگاه‌های اجرایی
			برابری	حق برابر مردم در انتقاد از حکومت؛ برابری افراد در دریافت مسئولیت‌های اداری و سیاسی (براساس ضابطه نه رابطه)؛ برابری افراد (صرف‌نظر از قومیت، نژاد، جنسیت، زبان و ...) در برابر قانون؛ برابری افراد در رأی و اظهار نظر سیاسی؛ حق حضور برای همه رأی‌دهندگان حق حضور برای همه کاندیدها
		حقوق مدنی	حق مشارکت	حق مشارکت مردم در انتخابات؛ حق مشارکت مردم در فعالیت‌های جمعی؛ حق کاندید شدن برای همگان؛ حق انتخاب کردن افراد به اختیار خود؛ آزادی افراد در تشکیل نهادهای مدنی؛ حق انتقاد مردم از مسئولان محلی؛ داشتن فرصت مناسب برای ارائه شکایات یا دفاعیات خود
			حق انتخاب شدن	
			آزادی اجتماعات	
		تنوع	انحصار طلبی قدرت و حاکمیت	میزان توزیع قدرت بین نهادهای محلی و مردمی؛ میزان رانت قدرت در توزیع مسئولیت‌ها؛ اجازه فعالیت احزاب گوناگون و نهادهای مردمی؛ وجود مسئولان از تمامی اقوام و مذاهب؛ مشارکت تمامی اقوام و مذاهب در فعالیت‌های سیاسی
			تکثرگرایی نهادی	
نیاز	نیاز مشارکت	احساس نیاز مردم به مشارکت در مسائل محلی؛ نیاز به انتخاب مسئولان محلی		
آزادی	انتخابات			
	اداره حکومت‌های محلی	نبود فشار سیاسی و اجبار از طرف نهادهای دولتی و مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری؛ آزادی احزاب، آزادی بیان و گفتگو، آزادی نشر- قلم؛ آزادی گردهمایی و حق اعتراض به نتیجه		
	انتخاب مسئولان محلی			

ردیف	ابعاد	معیار	شاخص‌ها	سازه‌ها	
۳	عدالت فرهنگی	مردم‌سالاری	به رسمیت شناختن فرهنگ اقلیت‌های قومی-مذهبی	عدم تبعیض بین فرهنگ‌ها؛ استفاده از زبان‌های قومی و محلی در رسانه‌ها و مطبوعات؛ وجود تأمل بین دولت و اقوام	
		برابری	برابری توزیعی	عدم تبعیض فرهنگی بین افراد با فرهنگ‌های مختلف؛ عدم تبعیض فرهنگی در دسترسی برابر به فضاهای فرهنگی	
		حقوق مدنی	حق تحصیل حق گسترش فرهنگ بومی و زبان	حق دسترسی همگان به مدارس؛ عدم تبعیض در مدارس؛ عدم ممنوعیت انتشارات به زبان بومی؛ امکان فعالیت رسانه‌ها به زبان بومی؛ امکان فعالیت مطبوعات به زبان بومی؛ امکان فعالیت نهادهای مردمی؛ عدم ترویج فرهنگ غالب	حق دسترسی همگان به مدارس؛ عدم تبعیض در مدارس؛ عدم ممنوعیت انتشارات به زبان بومی؛ امکان فعالیت رسانه‌ها به زبان بومی؛ امکان فعالیت مطبوعات به زبان بومی؛ امکان فعالیت نهادهای مردمی؛ عدم ترویج فرهنگ غالب
				تنوع	اعتقاد به تکثر گروه‌های فرهنگی
		نیاز	برگزاری مراسمات براساس نیاز وجود فضاهای فرهنگی و فراغتی	برگزاری مراسمات (عزاداری، اعیاد، رویدادهای گردشگرمحور، برگزاری جشن‌های محلی)؛ نیاز به دسترسی به کتابخانه، سینما، فرهنگ‌سرا و ...؛ نیاز به وجود ورزشگاه، سالن ورزشی، پارک و ...	
		آزادی	تکثرگرایی فرهنگی	آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی؛ آزادی در آموزش هنجارها و ارزش‌های فرهنگی؛ مستندسازی رسانه‌ای؛ آزادی افراد در ارائه نمادها و سمبل‌های فرهنگی خود و داشتن سبک زندگی خود؛ آزادی اقوام در برگزاری اعیاد و مراسمات	آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی؛ آزادی در آموزش هنجارها و ارزش‌های فرهنگی؛ مستندسازی رسانه‌ای؛ آزادی افراد در ارائه نمادها و سمبل‌های فرهنگی خود و داشتن سبک زندگی خود؛ آزادی اقوام در برگزاری اعیاد و مراسمات
آزادی در گرایش‌های فرهنگی	شکل‌دهی به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی		آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی؛ آزادی در آموزش هنجارها و ارزش‌های فرهنگی؛ مستندسازی رسانه‌ای؛ آزادی افراد در ارائه نمادها و سمبل‌های فرهنگی خود و داشتن سبک زندگی خود؛ آزادی اقوام در برگزاری اعیاد و مراسمات		

ردیف	ابعاد	معیار	شاخص‌ها	سازه‌ها
۴	عدالت اجتماعی	مردم‌سالاری	به رسمیت شناختن نهادهای مدنی	عدم نظارت دولت در فعالیت نهادهای مدنی؛ عدم وابسته ساختن اقتصادی نهادها؛ عدم تبدیل نهادها به پیمانکاران دولتی؛ عدم استفاده سیاسی از نهادها؛ داشتن حق عضویت در نهادهای مدنی؛ عدم ارجحیت نهادهای مدنی (محیط زیست، مذهبی و ...) نسبت به یکدیگر
			حق عضویت در نهادهای مدنی	از نهادها؛ داشتن حق عضویت در نهادهای مدنی؛ عدم ارجحیت نهادهای مدنی (محیط زیست، مذهبی و ...) نسبت به یکدیگر
			روابط برابرنگار بین نهادهای مدنی	از نهادها؛ داشتن حق عضویت در نهادهای مدنی؛ عدم ارجحیت نهادهای مدنی (محیط زیست، مذهبی و ...) نسبت به یکدیگر
		برابری	برابری فرصتی	عدم تبعیض اجتماعی بین مذاهب، اقوام، زبان‌ها، پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی؛ برابری افراد در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی؛ برابری افراد در دریافت خدمات اجتماعی اعم از بهداشت، آموزش، بیمه و ...
		حقوق مدنی	حق بیمه اجتماعی	داشتن حق بیمه سلامت؛ عدم تبعیض در توزیع مراکز بهداشتی و سلامت؛ دسترسی به مراکز بهداشت برای همگان؛ عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد
			حق سلامت و بهداشت	داشتن حق بیمه سلامت؛ عدم تبعیض در توزیع مراکز بهداشتی و سلامت؛ دسترسی به مراکز بهداشت برای همگان؛ عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد
			حق احترام به زندگی خصوصی	داشتن حق بیمه سلامت؛ عدم تبعیض در توزیع مراکز بهداشتی و سلامت؛ دسترسی به مراکز بهداشت برای همگان؛ عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد
تنوع	کثرت‌گرایی اجتماعی	وجود احزاب و اصناف و گروه‌های اجتماعی مختلف		
نیاز	عضویت در نهادهای محلی	نیاز به عضویت در گروه‌ها و نهادهای مردمی (گروه‌های حفاظت از محیط، نهادهای خیریه حامی زنان بی‌سرپرست، عضویت در هیئت‌های مذهبی و...); نیاز به خدمات تأمین اجتماعی، بهداشتی، امکانات آموزشی، امنیت و... احساس نیاز به ارتباط با دیگران؛ نیاز به مشارکت در فعالیت‌های جمعی؛ تمایل به تعلق داشتن به گروه‌ها؛ وجود شرایط لذت بردن از کار جمعی؛ وابستگی به روابط بین‌فردی		
	خدمات اجتماعی	نیاز به عضویت در گروه‌ها و نهادهای مردمی (گروه‌های حفاظت از محیط، نهادهای خیریه حامی زنان بی‌سرپرست، عضویت در هیئت‌های مذهبی و...); نیاز به خدمات تأمین اجتماعی، بهداشتی، امکانات آموزشی، امنیت و... احساس نیاز به ارتباط با دیگران؛ نیاز به مشارکت در فعالیت‌های جمعی؛ تمایل به تعلق داشتن به گروه‌ها؛ وجود شرایط لذت بردن از کار جمعی؛ وابستگی به روابط بین‌فردی		
	وجود شرایط پیوندجویی	نیاز به عضویت در گروه‌ها و نهادهای مردمی (گروه‌های حفاظت از محیط، نهادهای خیریه حامی زنان بی‌سرپرست، عضویت در هیئت‌های مذهبی و...); نیاز به خدمات تأمین اجتماعی، بهداشتی، امکانات آموزشی، امنیت و... احساس نیاز به ارتباط با دیگران؛ نیاز به مشارکت در فعالیت‌های جمعی؛ تمایل به تعلق داشتن به گروه‌ها؛ وجود شرایط لذت بردن از کار جمعی؛ وابستگی به روابط بین‌فردی		
آزادی	آزادی تشکیل اجتماعات محلی	آزادی در توسعه نهادهای مردم‌نهاد؛ میزان خودگردانی و دارا بودن شخصیت حقوقی؛ آزادی در تشکیل عقاید و افکار، ابراز عقاید و افکار، اشاعه و انتقال عقاید و افکار؛ آزادی در جستجوی اطلاعات؛ تکررگرایی فرهنگی؛ آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی		
	آزادی عقیده و بیان	آزادی در توسعه نهادهای مردم‌نهاد؛ میزان خودگردانی و دارا بودن شخصیت حقوقی؛ آزادی در تشکیل عقاید و افکار، ابراز عقاید و افکار، اشاعه و انتقال عقاید و افکار؛ آزادی در جستجوی اطلاعات؛ تکررگرایی فرهنگی؛ آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی		
	وجود شرایط پیوندجویی	آزادی در توسعه نهادهای مردم‌نهاد؛ میزان خودگردانی و دارا بودن شخصیت حقوقی؛ آزادی در تشکیل عقاید و افکار، ابراز عقاید و افکار، اشاعه و انتقال عقاید و افکار؛ آزادی در جستجوی اطلاعات؛ تکررگرایی فرهنگی؛ آزادی در داشتن هویت‌های قومی، مذهبی و زبانی		

ردیف	ابعاد	معیار	شاخص‌ها	سازه‌ها
۵	عدالت زیست‌محیطی	مردم‌سالاری	قابل فهم بودن قوانین و مقررات پایداری زیست‌محیطی	قابل فهم بودن قوانین و مقررات برای همگان؛ سطح تحقق‌پذیری و اجرای قوانین و مقررات در سطح روستاها؛ استفاده از مقررات اکولوژیکی در برنامه‌ریزی و توسعه پروژه‌های اجرایی؛ وجود راهبردهای شفاف و راهکارهای علمی در حوزه محیط زیست؛ توجه به حقوق نسل‌ها
		برابری	همکاری در تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی	توجه به حق مشارکت برابر در برنامه‌ریزی و اجرا؛ دربرگیرندگی و توجه به نظرها از تمامی گروه‌ها
		حقوق مدنی	جوابگو بودن و آموزش	جوابگو بودن تمامی بخش‌های مرتبط با تأمین عدالت در روستاها؛ سطح توجه به آموزش‌های مهارتی در تمامی سطوح جهت عموم؛ مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها؛ توجه به بخش آموزش محیط زیست به شهروندان
			مشارکت مردم	
		تنوع	توجه به فرهنگ محیط زیست	وجود راهبردهای شفاف و علمی در حوزه زیست‌محیطی؛ حفاظت از تنوع‌های زیستی در روستاها؛ استفاده کمتر از موادی که به محیط زیست آسیب وارد می‌کنند
		نیاز	اعمال سیاستگذاری‌ها	تولید فناوری‌های نوین سازگار با محیط زیست؛ استفاده از انرژی غیرفسیلی (نوین)؛ فعال کردن بخش سرمایه‌گذاری مالی و انسانی در محیط زیست؛ امنیت از خطرات محیط زیستی؛ وجود راهبردهای شفاف و علمی در حوزه زیست‌محیطی
امنیت از خطرات محیط‌زیستی				
	آزادی	آزادی عمل سمن‌های	آزادی عمل سمن‌های محیط زیستی؛ تقویت مؤسسه‌های خصوصی محیط زیست؛ دربرگیرندگی و توجه به نظرها از تمامی گروه‌ها	

مأخذ: همان.

در ادامه برای سنجش روایی داده‌های پژوهش حاضر، علاوه بر اینکه مضمون‌های پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر از مصاحبه‌ها، مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش انتخاب شد، نظریات و رهنمودهای گروهی از خبرگان نیز لحاظ شده و قبل از کدگذاری، جرح

و تعدیل نهایی به‌عمل آمد. با استفاده از روش همسوسازی داده‌ها،<sup>۱</sup> اعتبارپذیری داده‌ها، مورد تأیید قرار گرفت. شواهد همسوسازی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. شواهد همسوسازی داده‌های پژوهش

ابعاد	معیار	شاخص‌ها	پیشینه و تحقیقات علمی
عدالت اقتصادی	مردم سالاری	حاکمیت قانون و مقررات	سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ عبداللهی (۱۳۹۱)؛ مولایی (۱۳۷۹)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)، سوجا <sup>۲</sup> (۲۰۱۰)
	برابری	برابری فرصتی	فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سن (۱۳۷۹)؛ هاروی <sup>۳</sup> (۱۹۹۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)؛ مارکوس <sup>۴</sup> (۲۰۰۹)
	حقوق مدنی	حق مالکیت	عبداللهی (۱۳۹۱)؛ فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۲۰)
		حق انتخاب شغل	
تنوع	تنوع اشتغال و تولید	سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)؛ راولز (۱۹۷۱)	

1. Data triangulation

2. Soja

3. Harvey

4. Marcuse

ابعاد	معیار	شاخص ها	پیشینه و تحقیقات علمی
عدالت اقتصادی	نیاز	دسترسی به حداقل درآمد	حاتمی نژاد و قهرایی (۱۳۸۵)؛ پارسی پور و ضیاء توانا (۱۳۹۲)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ میرغلامی، کی نژاد و علیزاده (۱۳۹۷)؛ کریمیان بستانی و اقبالی (۱۳۹۰)؛ امین زاده و روشن (۱۳۹۳)؛ زیاری، مهدیان بهمنمیری و مهدی (۱۳۹۲)؛ کامران، پریزادی و حسینی امینی (۱۳۸۹)؛ کرومپولز و فارستر <sup>۱</sup> (۱۹۹۰)؛ تالی و همکاران <sup>۲</sup> (۲۰۱۴)؛ تسوی و همکاران <sup>۳</sup> (۲۰۰۵)؛ لیا و همکاران <sup>۴</sup> (۲۰۰۹)؛ رحمان و نیما <sup>۵</sup> (۲۰۱۵)
		آزادی کسب و کار	مزروعی، غریبی مفرد (۱۳۹۳)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ هاروی (۱۹۹۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)
		آزادی مبادله و معاوضه آزادی رقابت و تولید	
مردم سالاری	حاکمیت مردم برابری	سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ عبداللهی (۱۳۹۱)؛ مولایی (۱۳۷۹)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ سوچا (۲۰۱۰)	
		برابری	
عدالت سیاسی	برابری	برابری توزیعی	فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ هاروی (۱۹۹۹)؛ مارکوس (۲۰۰۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)
		برابری قانونی	
		برابری مشارکتی	
حقوق مدنی	حق مشارکت حق انتخاب شدن آزادی اجتماعات حق انتقاد و دادخواهی	حق مشارکت	عبداللهی (۱۳۹۱)، فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)
		حق انتخاب شدن	
		آزادی اجتماعات	
		حق انتقاد و دادخواهی	

1. Krumholz and Forester
2. Taleai etal.
3. Tsou etal.
4. Liao etal.
5. Rahman and Neema

ابعاد	معیار	شاخص‌ها	پیشینه و تحقیقات علمی
	تنوع	انحصار طلبی قدرت و حاکمیت	سعید رضوانی (۱۳۹۳)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ راولز (۱۹۷۱)؛ سوچا (۲۰۱۰)
		تکثرگرایی نهادی	
عدالت سیاسی	نیاز	نیاز مشارکت	حاتمی‌نژاد و قهرایی (۱۳۸۵)؛ پارسی‌پور و ضیاء توانا (۱۳۹۲)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ میرغلامی، کی‌نژاد و علیزاده (۱۳۹۷)؛ کرومپولز و فارس‌ستر (۱۹۹۰)
	آزادی	انتخابات اداره حکومت‌های محلی انتخاب مسئولان محلی	مزروعی، غربی‌مفرد (۱۳۹۳)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)؛ هاوی (۱۹۹۹)
	مردم سالاری	به رسمیت شناختن فرهنگ اقلیت‌های قومی-مذهبی	عبداللهی (۱۳۹۱)؛ مولایی (۱۳۷۹)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ سوچا (۲۰۱۰)
	برابری	برابری توزیعی	فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ هاوی (۱۹۹۹)؛ مارکوس (۲۰۰۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)
عدالت فرهنگی	حقوق مدنی	حق تحصیل	عبداللهی (۱۳۹۱)؛ فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوچا (۲۰۱۰)
		حق گسترش فرهنگ بومی و زبان	
	تنوع	اعتقاد به تکثرگروه‌های فرهنگی	حاتمی‌نژاد و قهرایی (۱۳۸۵)؛ پارسی‌پور و ضیاء توانا (۱۳۹۲)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ راولز (۱۹۷۱)
	نیاز	برگزاری مراسمات براساس نیاز وجود فضاهای فرهنگی و فراغتی	حاتمی‌نژاد و قهرایی (۱۳۸۵)؛ پارسی‌پور و ضیاء توانا (۱۳۹۲)؛ داداش‌پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ میرغلامی، کی‌نژاد و علیزاده (۱۳۹۷)؛ کرومپولز و فارس‌ستر (۱۹۹۰)

ابعاد	معیار	شاخص ها	پیشینه و تحقیقات علمی
عدالت فرهنگی	آزادی	تکثرگرایی فرهنگی	مزروعی، غریبی مفرد (۱۳۹۳)؛ پتفت (۱۳۹۵)، داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)؛ هاروی (۱۹۹۹)
		شکل دهی به هنجارها و ارزش های فرهنگی	
		آزادی در گرایش های فرهنگی	
مردم سالاری	مردم سالاری	به رسمیت شناختن نهادهای مدنی	عبداللهی (۱۳۹۱)، مولایی (۱۳۷۹)، داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)، سعیدی رضوانی و نوریان (۱۳۹۳)، سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)؛ سوجا (۲۰۱۰)
		حق عضویت در نهادهای مدنی	
		روابط برابرانگار بین نهادهای مدنی	
عدالت اجتماعی	برابری	برابری فرصتی	فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)، سعیدی رضوانی (۱۳۹۳)، داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)، طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)؛ هاروی (۱۹۹۹)؛ مارکوس (۲۰۰۹)
		تفاوت	عبداللهی (۱۳۹۱)؛ فلاحتی، گلی و گلی (۱۳۹۴)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)
عدالت اجتماعی	حقوق مدنی	حق بیمه اجتماعی	عبداللهی (۱۳۹۱)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)
		حق سلامت و بهداشت	
		حق احترام به زندگی خصوصی	
نیاز	نیاز	تکثرگرایی اجتماعی	راولز (۱۹۷۱)
		عضویت در نهادهای محلی	حاتمی نژاد و قهرایی (۱۳۸۵)؛ پارسی پور و ضیاء توانا (۱۳۹۲)؛
		خدمات اجتماعی	داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)، کرومپولز و فارستر (۱۹۹۰)
عدالت اجتماعی	آزادی	آزادی تشکیل اجتماعات محلی	مزروعی، غریبی مفرد (۱۳۹۳)؛ داداش پور، علیزاده و رستمی (۱۳۹۴)؛ طبیبیان، شکوهی و ارباب (۱۳۸۹)؛ هاروی (۱۹۹۹)؛ سوجا (۲۰۱۰)
		آزادی عقیده و بیان	
		وجود شرایط پیوندجویی	

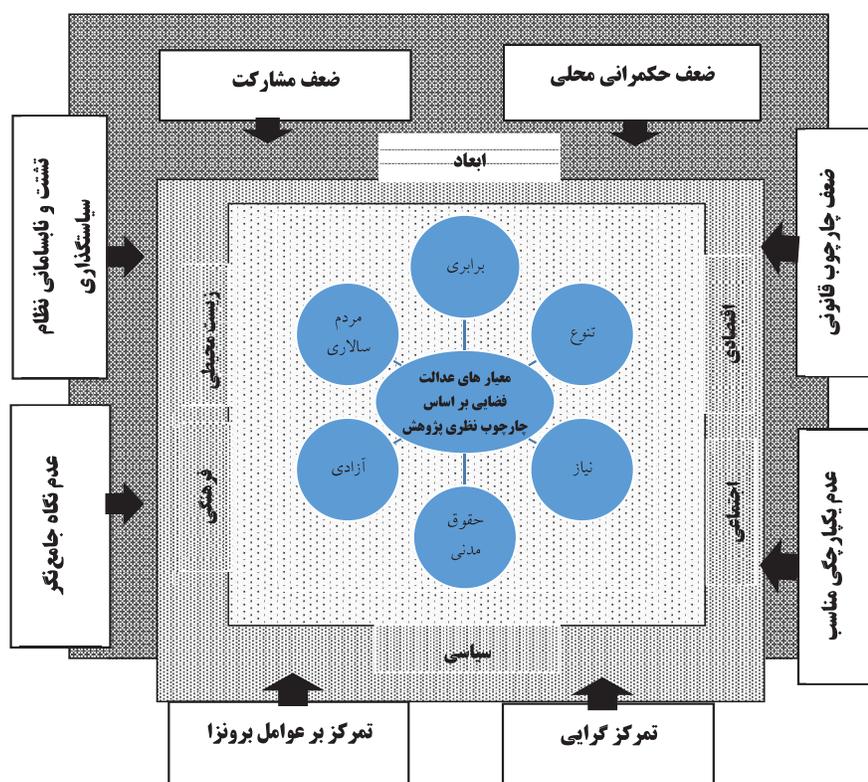
ابعاد	معیار	شاخص‌ها	پیشینه و تحقیقات علمی
عدالت زیست محیطی	مردم سالاری	قابل فهم بودن قوانین و مقررات پایداری زیست‌محیطی	لی و همکاران <sup>۱</sup> (۲۰۱۵)؛ کریشما و همکاران <sup>۲</sup> (۲۰۱۷)؛ هاریسون <sup>۳</sup> (۲۰۱۶)؛ باری <sup>۴</sup> (۲۰۱۴)؛ استالورثی (۲۰۱۳)
	برابری	همکاری در تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی	کنو و وانگ <sup>۵</sup> (۲۰۱۶)؛ بانرچی و آکولی <sup>۶</sup> (۲۰۱۴)؛ راگهید و همکاران <sup>۷</sup> (۲۰۱۶)
	حقوق مدنی	جوابگو بودن و آموزش	مورلی و همکاران <sup>۸</sup> (۲۰۱۷)؛ جاودهاری و همکاران <sup>۹</sup> (۲۰۱۸)؛ اسوز و پائول <sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴)؛ اسمیت <sup>۱۱</sup> (۲۰۱۱)؛ مورن <sup>۱۲</sup> (۲۰۱۰)
		مشارکت مردم	
	تنوع	توجه به فرهنگ محیط زیست	مورلی و همکاران (۲۰۱۷)؛ جاودهاری و همکاران (۲۰۱۸)؛ اسوز و پائول (۲۰۰۴)؛ اسمیت (۲۰۱۱)؛ مورن (۲۰۱۰)
	نیاز	اعمال سیاستگذاری‌ها	کنو و وانگ (۲۰۱۶)؛ بانرچی و آکولی (۲۰۱۴)؛ راگهید و همکاران (۲۰۱۶)
امنیت از خطرات محیط زیستی			
آزادی	آزادی عمل سمن‌های	لی و همکاران (۲۰۱۵)؛ کریشما و همکاران (۲۰۱۷)؛ هاریسون (۲۰۱۶)؛ باری (۲۰۱۴)؛ استالورثی (۲۰۱۳)	

مأخذ: همان.

1. Lee etal.
2. Krishma etal.
3. Harrison
4. Barry
5. Cao and Wang
6. Banerjee and Akuli
7. Ragheb etal.
8. Morelli etal.
9. Chaudhary etal.
10. Sweezy and Paul
11. Smith
12. Moran

بر این اساس یکی از مواردی که باید در طرح‌های برنامه‌ریزی روستایی قویاً مورد تأکید قرار گیرد عدالت فضایی است. بنابراین تلاش شده براساس نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش به مفهوم‌سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص‌های آن در نظام برنامه‌ریزی روستایی پرداخته شود و در نهایت مدل مفهومی عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی طراحی شد (شکل ۲).

شکل ۲. مدل مفهومی مجموعه معیار کاربردی در عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به مباحث مطرح شده، نهایتاً معیارهای نهایی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی روستایی شامل پنج بعد عدالت (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی) و هر بعد متشکل از شش معیار مردم‌سالاری (مشمول بر شاخص‌های حاکمیت قانون و مقررات، برابری، حاکمیت مردم، به رسمیت شناختن نهادهای مدنی، حق عضویت در نهادهای مدنی، روابط برابرنگار بین نهادهای مدنی، با رسمیت شناختن فرهنگ اقلیت‌های قومی - مذهبی و قابل فهم بودن قوانین و مقررات پایداری زیست‌محیطی)؛ معیار برابری (مشمول بر شاخص‌های برابری توزیعی، برابری قانونی، برابری مشارکتی، برابری فرصتی و همکاری در تصمیم‌سازی محیط زیستی)؛ معیار حقوق مدنی (مشمول بر شاخص‌های حق مشارکت، حق انتخاب، آزادی اجتماعی، حق انتقاد و دادخواهی، حق مالکیت، حق انتخاب شغل، حق بیمه، حق سلامت و بهداشت، حق احترام به زندگی خصوصی، حق تحصیل، حق گسترش زبان و فرهنگ بومی و جوابگو بودن و آموزش در حوزه محیط زیست)؛ معیار تنوع (مشمول بر شاخص‌های انحصارطلبی قدرت و حاکمیت، تکثرگرایی نهادی، تنوع اشتغال و تولید، تکثرگرایی اجتماعی و فرهنگی و توجه به فرهنگ محیط زیست)؛ معیار نیاز (مشمول بر شاخص‌های نیاز به مشارکت، دسترسی به حداقل درآمد، دسترسی به خدمات زیربنایی، حمایت از تولید و توزیع، عضویت در نهادهای محلی، خدمات اجتماعی، وجود شرایط پیوندجویی، برگزاری مراسمات، وجود فضاهای فرهنگی و فراغتی، اعمال سیاستگذاری‌ها و امنیت از خطرات محیط زیستی) و معیار آزادی (مشمول بر شاخص‌های مشارکت، آزادی، اداره حکومت محلی، انتخاب مسئولان محلی، آزادی کسب و کار، آزادی مبادله و معاوضه، آزادی رقابت و تولید، آزادی تشکیل اجتماعات محلی، آزادی عقیده و بیان و آزادی عمل سمن‌ها) است. این ابعاد با یکدیگر شکل گرفته و تغییر در هر کدام، تغییر در ابعاد دیگر را موجب خواهد شد. الگوی مذکور

می‌تواند به‌عنوان ابعاد کلی یا عوامل اصلی و کلیدی چارچوب مفهومی عدالت فضایی در نظر گرفته شود؛ زیرا این ابعاد بیشترین توجه و تأکید را در بین عناصر، عوامل و ویژگی‌های مطرح شده از سوی متخصصان مشارکت‌کننده در پژوهش و پیشینه پژوهش در حوزه عدالت برای شکل دادن الگوی محتوایی عدالت در نظام برنامه‌ریزی روستایی به خود اختصاص داده.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روستا به‌عنوان عرصه‌ای مؤثر در فرایند توسعه ملی مطرح است و برنامه‌ریزی در راستای توسعه روستا و بهبود زیست‌سکونتگاه‌های روستایی از جایگاهی مهم و تعیین‌کننده برخوردار است. یکی از چالش‌های جدی در نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور، مسئله بی‌عدالتی فضایی در این سکونتگاه‌ها است که اگرچه بر اهمیت عدالت فضایی و ارزش آن در برنامه‌ریزی روستایی تأکید شده، اما تاکنون درک روشن و جامعی از این مفهوم در نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور شکل نگرفته است. برنامه‌ریزان، مجریان و دهیاران روستایی، اغلب نگاهی حداقلی به عدالت فضایی داشته و آن را صرفاً به توزیع خدمات و امکانات بدون توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نیازهای واقعی ساکنان روستایی تقلیل می‌دهند. به‌دلیل فهم نادرست از مفهوم عدالت فضایی در برنامه‌های روستایی و همچنین وجود چالش‌هایی نظیر: مدیریت و خدمات‌رسانی نقطه‌ای، تمرکزگرایی در نظام تصمیم‌گیری، تأکید بر عوامل برون‌زا و بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و مزیت‌های محلی، ضعف چارچوب قانونی برای مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی، نبود سازوکارهای کارآمد برای مدیریت تعامل بین بخش‌های عمومی، خصوصی و مردمی،

و نیز فقدان نگرش جامع و یکپارچه در برنامه‌های توسعه، امور اجرایی در روستاها با کندی مواجه شده و در نتیجه، چالاک‌ی لازم در مدیریت دولتی مشاهده نمی‌شود. این شرایط به بروز فساد، نارضایتی عمومی، عدم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به موقع و در نهایت، عدم تحقق عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی انجامیده است. بر این اساس، ضروری است هم دولت و مسئولان محلی و هم خود مردم، در تعامل با یکدیگر، زمینه‌های تحقق عدالت فضایی را فراهم آورند.

بررسی لایحه برنامه پنج‌ساله گذشته و به‌ویژه برنامه پنج‌ساله هفتم (۱۴۰۶-۱۴۰۲) در حوزه توسعه روستایی نشان می‌دهد که این لایحه با کاستی‌های جدی مواجه است؛ از جمله: ضعف اجماع نظر در مورد مفهوم، ابعاد، معیارها و شاخص‌های عدالت فضایی در نظام برنامه‌ریزی روستایی؛ تداوم ریل‌گذاری‌های نادرست گذشته؛ پراکندگی و نابسامانی در نظام سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی؛ عدم توازن، شفافیت و هدفمندی در بودجه عمران و توسعه روستایی؛ کارایی پایین نظام تأمین مالی روستایی؛ عدم شکوفاسازی قابلیت‌های متنوع اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی و همچنین بهره‌مندی ناکافی روستاییان از خدمات عمومی به‌ویژه در حیطة بهداشت و درمان.

این مطالعه با هدف مفهوم‌سازی عدالت فضایی و تدوین معیارها و شاخص‌های مربوطه در نظام برنامه‌ریزی روستایی، کوشیده است تا با بهره‌گیری از پیشینه و مبانی نظری موضوع، طیف گسترده‌ای از معیارها و شاخص‌های عدالت فضایی را ارائه دهد و از طریق تحلیل مضمون و شبکه مضامین، به درکی مفهومی از عدالت فضایی دست یابد. برپایه یافته‌های این پژوهش، بی‌عدالتی فضایی در بستر روستاها به‌وضوح قابل مشاهده است و اهداف تعیین‌شده از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان روستایی در بسیاری از زمینه‌ها یا محقق نشده یا مسیری متفاوت از انتظارات را

پیموده است. هرچند در سطح کلان سیاستگذاری و برنامه‌ریزی روستایی، مواردی منطبق بر معیارهای عدالت فضایی وجود داشته، اما در مرحله اجرا به نتایج عادلانه منجر نشده است؛ به عبارت دیگر، این سیاست‌ها نتوانسته منافع عمومی و همگانی را به‌طور کامل تأمین کند.

بر این اساس، تحقق عدالت در نظام برنامه‌ریزی روستایی به گفتمانی نو و نگاهی متفاوت نیاز دارد؛ گفتمانی که برپایه تحولی مردمی و اجتماعی از درون، بوم‌محوری، مشارکت همگانی، تأمین نیازهای پایه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و احیای منابع محیطی استوار باشد. بر این مبنا، در بخش نظری پژوهش، برای عدالت فضایی، پنج بُعد (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی) و برای هر بُعد، شش معیار (مردم‌سالاری، برابری، حقوق، تنوع، نیاز و آزادی) تعریف و تبیین شده است.

## منابع و مآخذ

۱. اسماعیل‌زاده، حسن و لیلا معصومی (۱۳۹۴). «تحلیل عدالت فضایی شهرستان‌های استان اردبیل در بخش شاخص‌های بهداشتی - درمانی با استفاده از مدل rokiiv»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره هفتم، ش ۳۲.
۲. افراخته، حسن، وحید ریاحی، حمید جلالیان و سودابه سرایی (۱۳۹۵). «ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان»، آمایش سرزمین، دوره هشتم، ش ۱.
۳. افروز، مریم، منوچهر طبیبیان و بهمن احمدی (۱۳۹۶). «سنجش عدالت فضایی به‌منظور دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی (نمونه مطالعه: بافت قدیمی شهر قزوین)»، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، سال چهارم، ش ۴۴.
۴. الوندی‌پور، نینا و هاشم داداش‌پور (۱۳۹۷). «فراروش پژوهش‌های مرتبط با عدالت فضایی در ایران با مقیاس شهری در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۳»، دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال نهم، ش ۲، پیاپی ۱۸.
۵. امین‌زاده، بهرام و مینا روشن (۱۳۹۳). «ارزیابی روش‌های سنجش عدالت فضایی در توزیع کاربری اراضی شهری، (نمونه موردی: شهر قزوین)»، فصلنامه شهرسازی آرمان‌شهر معماری، دوره ۷، ش ۱۳.
۶. انوری، آرزو، وحید ریاحی، فرهاد عزیزپور و حسن افراخته (۱۴۰۱). «تحلیل الگوی فضایی عدالت توزیعی در منطقه روستایی جنوب استان آذربایجان غربی»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، ش ۴.
۷. بابایی، محسن (۱۴۰۲). «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۷۲): حوزه توسعه روستایی و عشایری»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۲۱۸.
۸. پارسی‌پور، حسن و محمدحسن ضیاء‌توانا (۱۳۹۲). «پست‌مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، ش ۱۳.
۹. حاتمی‌نژاد، حسین و حسین قهرایی (۱۳۸۵). «شهرنشینی و شهرسازی مدرن و پست مدرن»، علوم جغرافیایی، ۲ (۲).

۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، مصطفی قادری حاجت، زهرا احمدی‌پور، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و محمد گوهری (۱۳۹۴). «طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، ش ۱.
۱۱. داداش‌پور، هاشم و نینا الوندی‌پور (۱۳۹۵). «گونه‌شناسی مفهومی عدالت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهر در چهارچوب رویکردی میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، ش ۲.
۱۲. داداش‌پور، هاشم، بهرام علیزاده و فرامرز رستمی (۱۳۹۴). «تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در برنامه مکتب اسلام»، مجله نقش جهان، دوره ۵، ش ۱.
۱۳. رفیعیان، مجتبی، ایرج قاسمی و کمال نوذری (۱۳۹۸). «صورت‌بندی جدید از مفهوم گفتمان عدالت فضایی چارچوبی برای تحلیل شهر تهران»، فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۳، ش ۳.
۱۴. رهبری، لادن و محمود شارع‌پور (۱۳۹۳). «جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، ش ۱.
۱۵. زارعی، یعقوب (۱۳۹۵). «تبیین عدالت اجتماعی در تخصیص خدمات مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان‌های غرب کشور)»، روستا و توسعه، ۱۹ (۴).
۱۶. زیاری، کرامت‌اله، معصومه مهدیان‌بهنمیری و علی مهدی (۱۳۹۲). «بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر»، نشریه تحقیقات کاربردی علم جغرافیایی، سال سیزدهم، ش ۲۸.
۱۷. سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۹۳). «گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۱، ش ۱.
۱۸. سعیدی رضوانی، هادی و فرشاد نوریان (۱۳۹۳). «شهرسازی عدالت‌محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری»، فصلنامه مطالعات شهری، سال سوم، ش ۱۲.
۱۹. سعیدی منفرد، ساناز، تکتم حنایی و سوسن شیروانی‌مقدم (۱۳۹۸). «تبیین مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای»، فصلنامه معماری شهر پایدار، سال هشتم، ش ۱.

## مفهوم‌سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص‌های آن در نظام برنامه‌ریزی روستایی — ۲۴۵

۲۰. سن، آمارتیا (۱۳۷۹). *برابری و آزادی، مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
۲۱. شکوهی‌بیدهنی، محمدصالح (۱۳۹۴). «ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری، موردپژوهی طرح راهبردی-ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران) و برنامه آمایش و توسعه پایدار پاریس (PADD)»، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۲۲. شکویی، حسین (۱۳۷۸). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، چاپ سوم، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، تهران، مؤسسه جغرافیا و کارتوگرافی.
۲۴. طبیبیان، منوچهر، محمدصالح شکوهی و پارسا ارباب (۱۳۸۹). «ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت منطقه ۱۵ شهرداری تهران»، *مجله آرمانشهر*، ش ۵.
۲۵. عبداللهی، محسن (۱۳۹۱). «رویکردی پست‌مدرن به سه ضلع توسعه سیاسی: دولت، جامعه مدنی و شهروندی»، *فصلنامه سیاست*، ش ۱، دوره ۴۲.
۲۶. عزیزی، محمد مهدی، اسفندیاری زبردست و رضا اکبری (۱۳۹۷). «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان شهری اسلامی جهت کاربری در شهرسازی اسلامی (مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، دوره ۹، ش ۳۴.
۲۷. غفاری، سیدرامین و نگین صالحی (۱۳۹۲). «سطح‌بندی توسعه روستایی به روش تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی (مطالعه موردی: شهرستان شهرکرد، بخش سامان)»، *تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست‌وهشتم، ش ۳.
۲۸. فلاحتی، علی، یونس گلی و حسین گلی (۱۳۹۴). «آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی»، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۲ (۹).
۲۹. فلاحتی، نازنین (۱۳۸۴). «بررسی توزیع کاربری زمین در راستای عدالت فضایی (محلله‌های مورد مطالعه: شهرک غرب و اتابک)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان مرکزی.

۳۰. قادری حاجت، مصطفی و محمدرضا حافظ‌نیا (۱۳۹۷). «راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در

ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، دوره ۳، ش ۳.

۳۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی

[https://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution)

۳۲. کامران، حسن، طاهر پریزادی و حسن حسینی امینی (۱۳۸۹). «سطح‌بندی خدمات شهری در کلانشهر

تهران»، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، ش ۱.

۳۳. کریمی‌ان بستانانی، مریم و ناصر اقبالی (۱۳۹۰). «بررسی روند توزیع مراکز آموزشی در

شهر زاهدان با تأکید بر عدالت اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۳، ش ۲.

۳۴. مبارکی، مهدی، باقر ساروخانی و منصور وثوقی (۱۴۰۰). «تحلیل جامعه‌شناختی عدالت فرهنگی-

هنری با تأکید بر مفهوم عدالت فضایی (مطالعه موردی: مناطق پنجگانه شهر اراک)»، فصلنامه مطالعات

جامعه‌شناسی، سال چهارم، ش ۵۴.

۳۵. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳). «تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران»، ماهنامه شهرداری‌ها

(سازمان شهرداری‌ها)، دوره ۶، ش ۶۵.

۳۶. مزروعی، خسرو و مهدی کمال غریبی‌مفرد (۱۳۷۱). «پست‌مدرنیسم و جهانی شدن فرهنگ با تأکید بر

دیدگاه انتقادی ژان فرانسوا لیوتار»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۷، ش ۶۲.

۳۷. موسوی، میرنجف، علی مجنونی توتاخانه، آفتاب احمد و مجتبی مفرح بناب (۱۳۹۸). «تحلیل شاخص

عدالت فضایی در روستاهای گردشگرپذیر (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)»، پژوهش‌های

جغرافیای انسانی، دوره ۵۱، ش ۳.

۳۸. مولایی، آیت (۱۳۷۹). «حقوق بشر و حاکمیت ملی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۵۵ و ۱۵۶.

۳۹. میرغلامی، مرتضی، محمدعلی کی‌نژاد و بهرام علیزاده (۱۳۹۷). «ارزیابی عدالت فضایی در توسعه مجدد

فضاهای شهری موردپژوهی طرح موضعی عتیق شهر تبریز»، ماهنامه باغ شهر، ش ۱۵، دوره ۶۷.

۴۰. میرغلامی، مرتضی، محمدرضا پورجعفر و سیدمحمود میثاقی (۱۳۹۸). «ارزیابی تطبیقی نظام

برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۳، ش ۳.

۴۱. ورمزیاری، حجت (۱۳۹۵). «اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح جامع توسعه و عمران روستایی کشور»»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۰۶۹.

۴۲. یزدانی، محمدحسن و ابراهیم فیروزی (۱۳۹۵). «سنجش عدالت فضایی در توزیع مکانی کاربری‌های آموزشی شهر اردبیل»، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۶، ش ۳.

43. Adams, W.M. (2001). *Green Development*, London, Routledge and Practice, Routledge.

44. Banerjee, S. and A.R. Akuli (2014). "Advantages of Green Technology", *Recent Research in Science and Technology*, Vol. 6 (1).

45. Barry, J. (2014). *Green Political Theory, Political Ideologies: An Introduction*, London, Routledge.

46. Campbell, H. and R. Marshall (2006). "Towards Justice in Planning", *European Planning Studies*, 14 (2).

47. Campbell, S. and S.S. Fainstein (2003). *Readings in Planning Theory* (2nd ed.), Blackwell Publishing.

48. Cao, B. and S. Wang (2016). "Opening up, International Trade, and Green Technology Progress", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 142.

49. Chaudhary, S., A. McGregor, D. Houston and N. Chettri (2018). "Environmental Justice and Ecosystem Services: A Disaggregated Analysis of Community Access to Forest Benefits in Nepal", *Ecosystem Services*, Vol. 29.

50. Dikeç, M. (2009). "Space, Politics and (in) Justice", *Justice Spatiale / Spatial Justice*, 01 Retrieved 2017, from [www.jssj.org](http://www.jssj.org). (in English).

51. Dufaux, F. and P. Philifert (2013). *Spatial Justice and Territorial Policies*, West Paris University Press.

52. Fainstein, S.S. (2010). *The Just City*, New York, Cornell University Press (in English).

53. Fischer, F. and A. Mandel (2009). "Micheael Polanyi's Republic of Science: The Tacit Dimension", *Science and Culture*. Vol. 18.

54. Fuchs, Christian (2019). "Henri Lefebvre's Theory of the Production of Space & the Critical Theory of Communication", *Communication Theory*, Vol. 29, Issue 2.
55. Gervais Lambony, Ph. (2014). *Spatial Justice and City*, Paris, Karthala Press.
56. Gruber, Elisabeth and Daniel Rauhut (2016). "Spatial Justice and the Welfare State: SGI Provision in Peripheral Austria and Sweden", Regional Studies Association's European Conference, 3-6 April in Graz, Austria.
57. Harrison, J. (2016). "Significant International Environmental Law Cases: 2015–2016", *Journal of Environmental Law*, Vol. 28(3).
58. Harvey, D. (1996). *Justice, Nature, and the Geography of Difference*, UK, Blackwell.
59. ----- (1999) . "On Planning the Ideology of Planning", *Reading in Planning Theory*.
60. Krishma, I.M., V. Manickam, A. Shah and N. Davergave (2017). "Environmental Management: Science and Engineering for Industry", *Butterworth-Heinemann*.
61. Krumholz, N. and J. Forester (1990). "*Making Equity Planning Work: Leadership in the Public Sector*", Temple University Press, Foreword by Alan A. Altshuler, Series: Conflicts in Urban and Regional Development.
62. Lee, S.H., S. Park and T. Kim (2015). "Review on Investment Direction of Green Technology R&D in Korea", *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, Vol. 50.
63. Liao, C.H., Hs. Chang and K.W. Tsou (2009). "Explore the Spatial Equity of Urban Public Facility Allocation Based on Sustainable Development Viewpoint", In 14th International Conference on Urban Planning and Regional Development in the Information Society, 22-25 April.
64. Marcuse, P. (2009). "Spatial Justice: Derivative But Causal of Social Injustice", *Spatial Justice*, Vol. 1, No. 4.
65. Marcuse, P. etal.( 2006). *Searching for the Just City: Debates in Urban Theory* Persian, Londonm, Routledge.
66. Moran, S. (2010). "Cities, Creeks, and Erasure: Stream Restoration and Environmental Justice", *Environmental Justice*, Vol. 3 (2).
67. Morelli, V., C. Ziegler and O. Fawibe (2017). "Environmental Justice and Underserved Communities", *Primary Care: Clinics in Office Practice*, Vol. 44 (1).
68. Ragheb, A., H. El-Shimy and G. Ragheb (2016). "Green Architecture: A Concept of Sustainability", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 216.

69. Rahman, M. and M. Neema (2015). “A GIS Based Integrated Approach to Measure the Spatial Equity of Community Facilities of Bangladesh”, *AIMS Geosciences*, 1 (1).
70. Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*, Cambridge, Massachusetts.
71. \_\_\_\_\_ (2001). *Justice as Fairness: A Restatement* (E. Kelly, Ed.), Harvard University Press.
72. Smith, R. (2011). “Green Capitalism: The God that Failed”, *Real-World Economics Review*, Vol. 56.
73. Soja, E. (2009). “The City and Spatial Justice”, S. Didier and F. Dufaux, Eds., *Spatial Justice*, 1. Retrieved from <http://www.jssj.org>.
74. Soja, E.W. (2010). *Seeking for Spatial Justice*, University of Minnesota, USA.
75. Stallworthy, M. (2013). “The Review in Environmental Law Discourse”, *Journal of Environmental Law*, Vol. 25 (3).
76. Sweezy, P.M. (2004). “Capitalism and the Environment”, *Monthly Review*, Vol. 56 (5).
77. Tabei, Nader, Ali Movahed, Simin Tolai and Musa Kamanroudi (2016). “Investigation of the Role of Spatial Justice in Urban Management (Study study: Neighborhoods of the 6th District of Tehran (Spatial Planning)”, *Geography*, 6 (2).
78. Taleai, M., R. Sliuzas and J. Flacke (2014). “An Integrated Framework to Evaluate the Equity of Urban Public Facilities Using Spatial Multi-criteria Analysis”, *Cities*, 40 (A).
79. Tsou, Ko-Wan, Hung Yu-Ting and Chan Yao-Lin (2005). “An Accessibility-based Integrated Measure of Relative Spatial Equity in Urban Public Facilities”, *Cities*, Vol. 22, No. 6.